

ارتجاع در تدارك يورش به جنبش دانشجویی

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۵۸، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۴ خرداد ۱۳۷۸

و بیان، یعنی «ولی فقیه» و انصارش از ماهیت عمیقاً سیاسی این جنبش در هراسند، و از خطراتی که چنین جنبشی می تواند متوجه آنها سازد به خوبی آگاهند. در هفته های گذشته، دانشجویان مبارز در حرکت های متعددی در دفاع از آزادی و بر ضد رژیم «ولایت فقیه»، دست به سلسله حرکت هایی اعتراضی زدند. در تهران، شمار کثیری از دانشجویان با شعارهای «ما را هم دستگیر

مبارزه اوج گیرنده جنبش دانشجویی در دو سال گذشته، یکی از نگرانی های جدی نیروهای ارتجاعی و واپس گرای حاکم بوده است. یورش های متعدد به تجمع های دانشجویی، به راه انداختن بسیج دانشجویی، به عنوان نیروی شبه نظامی ارگان های سرکوبگر، و تحریک تبلیغاتی روزنامه های مدافع ارتجاع، همچون کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی بر ضد تشکل های دانشجویی، بخشی از توطئه های حساب شده برای ارباب دانشجویان و سرانجام سرکوب مبارزه آنان در سراسر کشور است. نیروهای مدافع تاریک اندیشی و سرکوب آزادی اندیشه

ادامه در صفحه ۵

به مناسبت روز جهانی کودک

فاجعه زندگی کودکان در رژیم «ولایت فقیه»

کودکان امروز، سازندگان فردا

پنجاه سال پیش با ابتکار و پیشنهاد «فدراسیون دمکراتیک جهانی زنان» روز ۱۱ خرداد ۱۳۲۸ (اول ژوئن ۱۹۴۹) به عنوان روز جهانی کودک اعلام شد. هدف از برگزاری چنین روزی، سازماندهی و دفاع از حقوق کودکان است که آینده بشری رami سازند و فرهنگ انسانی را تداوم می بخشند. منشوردهگانه سازمان ملل اعلام می کند: «کودک از لحظه هستی دارای حقوقی است که جامعه موظف به شناسایی آن است و از آنجا که کودکان به علت ناتوانی جسمانی و فکری قادر به دفاع از حقوق خود نیستند، توجه به حقوق آنان در حیطة وظایف دولت است.»

ولی با وجود این منشور، براساس آمارهای بین المللی در سراسر جهان، از کشورهای سرمایه داری

ادامه در صفحه ۴

در این شماره

- ۲ ص درگیری در بوستان لاله تهران
- ۲ ص «مردم سالاری اسلامی»
- ۳ ص جهان معاصر و آموزش مارکس
- ۷ ص شکست لیکود و صلح خاورمیانه
- ۸ ص مبارزه جهانی بر ضد خصوصی سازی

دو سال پس از خرداد ۷۶ نگاهی گذرا به تحولات و رویدادهای دو سال گذشته، و نظری به آینده

روشن تر از آن بود که بتوان با سفسطه و دروغ، آن طور که خامنه ای و رفسنجانی پس از روشن شدن نتیجه انتخابات عنوان کردند، آن را در پشت «پیروزی اسلام» پنهان کرد. ناطق نوری، به عنوان نماینده جناح «ذوب در ولایت»، آشکارا اعلام کرده بود که باید به سمت هرچه بیشتر اسلامی کردن جامعه رفت. مردم، بدرستی، برنامه های این جناح را با جنایات طالبان در افغانستان مقایسه می کردند، و افزون بر این، با تجربه خود نیز دریافته بودند که اثرات فاجعه بار اعمال سیاست های رژیم «ولایت فقیه» چه وضعیت دشوار و طاقت فرسایی را از نظر اقتصادی و اجتماعی برای آنان به وجود آورده است. در مقابل برنامه هرچه بیشتر اسلامی کردن ایران، جناح مقابل از ضرورت کاهش فشارها و تعدیل سیاست های اعمال شده به منظور حفظ «نظام» سخن می گفت و معتقد بود که ادامه سیاست های گذشته جامعه را به انفجار خواهد کشاند و در آن صورت همه چیز از دست خواهد رفت. حتی گروهی از نزدیک ترین نیروها به خاتمی، رئیس جمهوری، نیز پنهان نمی کنند که رأی بخش وسیعی از مردم در انتخابات دوم خرداد رأی اعتراضی مردم بر ضد استبداد حاکم بود. عباس عبدی، در مقاله ئی با عنوان «هسته نامرئی انتخابات اخیر»، که در کتاب «انتخاب نو»، سال ۱۳۷۷ منتشر شده است، در این باره می نویسد: «یکی از مهمترین دلایل عنوان شده در نظر سنجی گروه سنجش افکار آینده در خصوص دلیل رأی دادن به آقای خاتمی، به خاطر مبارزه با زور و

ادامه در صفحه ۶

با فرا رسیدن دوم خرداد ماه ۱۳۷۸، دو سال از پیروزی پرشکوه توده های میلیونی خلق بر ضد رژیم «ولایت فقیه» گذشت. دو سال پیش، در یک حرکت تاریخی، و با وجود ادامه رژیم اختناق و آزادی کش، و با وجود آنکه حق انتخاب آزاد از مردم میهن ما سلب شده بود، بیش از بیست میلیون ایرانی با صراحت آشکار بر ضد نماینده رژیم «ولایت فقیه» رأی دادند. در کارزار انتخاباتی ماه های پیش از دوم خرداد ۷۶، بخش مهمی از «علمای حوزه های علمیه»، «ائمه جماعت» اکثر شهرها، رئیس قوه قضائیه، فقهای شورای نگهبان، و شخص «ولی فقیه» مردم را به انتخاب «اصلاح» یعنی انتخاب ناطق نوری به عنوان رئیس جمهوری، دعوت کردند. شورای نگهبان رژیم، برای آنکه نامزد غیر خودی در این انتخابات شرکت نکند، صدها نامزد انتخاباتی را به بهانه های واهی فاقد صلاحیت تشخیص داد، و رسانه های گروهی تحت اختیار ارتجاع، از صدا و سیما گرفته تا روزنامه های همچون کیهان، رسالت، جمهوری اسلامی، ابرار، قدس، و دیگران از خطراتی که «نظام» و «اسلام» را در صورت عدم انتخاب ناطق نوری تهدید خواهد کرد، بر حذر داشتند. با وجود همه این ترندها، یورش چماق داران و چاقو کشان به مراسم انتخاباتی، و تهدید های سران ارگان های سرکوبگر، از جمله محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران، مردم میهن ما در یک پاسخ قاطع دست رد به سینه ارتجاع زدند و خواست روشن و صریح خود را به تغییرات دمکراتیک در ایران اعلام کردند. موضوع

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



یورش چماق داران و چاقو کشان وزارت اطلاعات به مراسم پارک لاله

مراسم بزرگداشت دوم خرداد ۷۶، روز یکشنبه دوم خرداد در پارک لاله با حضور هزاران تن از دانشجویان، اعضای و هواداران دفتر تحکیم وحدت، کانون دانشجویان مسلمان، اعضای شاخه جوانان حزب کارگزاران سازندگی، اعضای کانون اندیشه جوان (وابسته به دانشگاه کار)، گروه کثیری از مردم و نمایندگان رسانه های داخلی و خارجی برگزار شد. بر اساس گزارش روزنامه نشاط، دوشنبه سوم خرداد، علیرضا طاهری، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت طی سخنانی از جمله گفت: «انتخابات مجلس ششم در پیش است. در این انتخابات باید حق انتخاب آزادانه برای مردم فراهم شود و هیچ کس حق ندارد این حق را از مردم سلب کند... نظارت شورای نگهبان نباید به گونه ای باشد که تعبیر دفاع از یک فرد یا گروه از آن به ذهن متبادر شود.» به گفته طاهری «بحث نظارت استصوابی بحثی ملی و متعلق به همه مردم است و در چند ساله اخیر از سوی نیروهای دلسوز مورد نقد قرار گرفته و همگان باید بتوانند با بررسی و تبادل نظر پیرامون آن، زمینه های اقتدار منافع ملی را در این راستا تأمین کنند.»

دیگر سخنران این مراسم ابراهیم اصغر زاده، عضو شورای شهر تهران بود که به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، در زمینه جنبش دوم خرداد از جمله گفت: «به رغم آنچه که برخی فکر می کنند خاتمی جوانان را به صحنه آورد من معتقدم که این جوانان، خاتمی را «خاتمی» کردند... مهمترین دستاورد دوم خرداد تولد انسان صاحب حق بود و هیچکس نمی تواند این حق را از انسان صاحب حق، بگیرد و انتخاب شدن و انتخاب کردن جزو همین حق انسان است.» اصغر زاده در بخش دیگری از سخنان خود ضمن حمله به جاسبی، رئیس دانشگاه آزاد و سخنرانی او در نماز جمعه این هفته تهران گفت: «آن آقایایی که فکر می کند می تواند دانشجویان دانشگاه آزاد را غیر سیاسی کند، اشتباه می کند. دانشجویان دانشگاه آزاد هیچ فرقی با دانشجویان دانشگاه های دیگر ندارند و نباید کسی گمان کند که دانشجویان این دانشگاه برده کسی هستند.»

در این مراسم، دانشجویان ضمن دادن شعارهایی در حمایت از دوم خرداد، خواستار استعفای محمد یزدی، علی لاریجانی و عبدالله جاسبی شدند.

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، دوشنبه ۳ خردادماه، در اواسط سخنرانی اصغر زاده، گروهی اندک با لباس های سیاه با نفوذ در بین دانشجویان با سر دادن شعارهایی همچون «مرگ بر مصدق»، «اسلام بی ولایت، اسلام آمریکایی»، «آزادی اندیشه، با سوت ایجاد نمیشه» به یک باره به جمع دانشجویان حمله بردند و با خشونت هرچه تمامتر به ضرب و شتم آنان پرداختند. بر اساس همین گزارش یکی از مهاجمین که بی شک باید او را از مأموران سپاه و وزارت اطلاعات رژیم دانست، یک تن از دانشجویان را به کناری کشید و با خونسردی به وی گفت: «من نه شورشی هستم، نه طالبان، اما اگر دفعه بعد اینجا تورا ببینم با تیر می زنمت.»

اخلال در سخنرانی مهاجرانی در تبریز

بر اساس گزارش روزنامه نشاط، دوشنبه ۳ خرداد ماه، تعدادی از چماق داران انصار حزب الله با حمله به مسجد طوبی در تبریز جلسه سخنرانی مهاجرانی، وزیر ارشاد را بهم ریختند. مهاجمان ضمن اشغال مسجد از حاضران خواستند که شعار ندهند و کف نزنند. این افراد سپس خواستار تعیین ۲۰ دقیقه وقت برای سخنرانی هر دو طرف شدند، اما پس از آنکه سخنرانی خود را تمام کردند اجازه ندادند تا طرف دیگر نیز سخنرانی کند. پس از پایان برنامه چماق داران رژیم به حاضران در مسجد یورش بردند و در نتیجه چند نفر زخمی و به بیمارستان منتقل شدند. جالب اینکه نیروهای انتظامی حاضر در مسجد هیچ گامی در راه جلوگیری از خشونت و دفاع از مردم برنداشتند.

«مردم سالاری اسلامی»

سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در مراسم همایش بزرگ شوراهای اسلامی شهر و روستا که با حضور بیش از یکصد هزار نفر در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد ضمن ارزیابی از اوضاع بحرانی کشور از جمله گفت جامعه به سوی نهادینه شدن «مردم سالاری اسلامی» در حال گذار است. به گفته خاتمی: «در این مرحله گذار و حرکت به سوی پایدار شدن مردم سالاری و دموکراسی اسلامی باید تلاش کنیم تا نهادهای اجتماعی و مدنی جایگاه خود را پیدا کنند و در این حال متوجه حساسیت های مرحله گذار باشیم و بیش از همه باید هوشیار باشیم از این فضا برای سست کردن اعتقادات و مبانی اعتقادی مردم و اصول و ارزش هایی که انقلاب بر آن استوار است، سوء استفاده نشود. آنچه بدست آورده ایم به برکت اسلام، انقلاب، رهبری امام، وحدت ملی، خون شهیدان و فداکاری ایثارگران است. اگر خدای ناخواسته زیر بنای این بنا که امروز نمونه آن را می بینیم سست شود یا بلرزد، بنا نیز فرو خواهد ریخت.» خاتمی سپس ضمن اشاره به سخنان خامنه ای در روزهای اخیر افزود: «به نظر من نگرانی های رهبری متوجه این امر است که ما مراقب باشیم اصول لطمه نخورد و واقعاً هم اگر اصول لطمه بخورد، چیزی نمی ماند که ما بر سر آن بتوانیم بحثی داشته باشیم.»

شش ماه زندان برای نماینده کرمانشاه

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، سید مجتبی موسوی اجاق، نماینده مردم کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی، به شش ماه زندان و پرداخت ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم شده است.

بر اساس این گزارش سید علی علوی، یکی از کارمندان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها با طرح شکایت

کتابی اعلام کرده بود که موسوی اجاق در یکی از جلسات این هیأت ضمن فحاشی و اهانت، وی را تهدید به قتل کرده است. لازم به تذکر است که موسوی اجاق در جریان بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی شوراهای شهر و روستا به کرات مخالفت خود را با نظرات جناح راست و خصوصاً موحدی ساوجی، رئیس هیأت نظارت اعلام کرده بود.

سیاست های کلی برنامه سوم توسعه

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، یکشنبه دوم خرداد ماه، سید علی خامنه ای با صدور فرمانی، سیاست های کلی برنامه سوم توسعه را به دولت ابلاغ کرد. بجز شعارهای پوچ و عوام فریبانه «دفاع از عدالت اجتماعی»، که در این برنامه، همچون برنامه های توسعه اول و دوم، ذکر شده و نتیجه اجرای چنین برنامه هایی چیزی جز تشدید فاصله طبقاتی، فقر و محرومیت در جامعه نبوده است از نکات قابل توجه این برنامه از جمله می توان به بندهای زیر اشاره کرد:

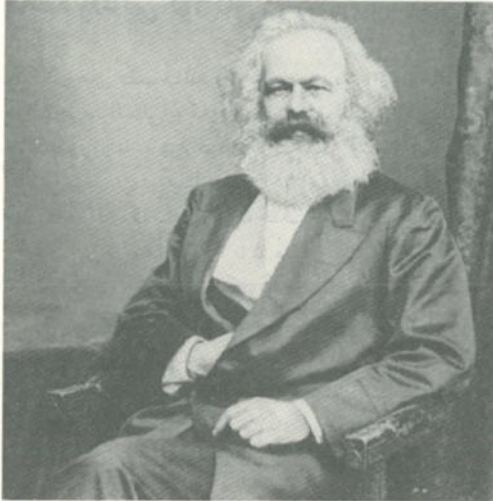
«۸. عدم ترجیح بخش های دولتی و عمومی که فعالیت های اقتصادی دارند به بخش های خصوصی و تعاونی در برخورداری از امتیازات و دسترسی به اطلاعات... ۱۰. حفظ امنیت سرمایه گذاری، و ارج نهادن به سازندگی و کار آفرینی و حفظ حرمت دارائی های ناشی از راههای قانونی و مشروع... ۱۷. اعتلاء بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی و تحکیم فکری و عملی ارزش های انقلاب اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه... ۱۹. وعایت آراستگی سیمای جامعه و کشور و محیط سازندگی به ارزش های اسلامی و انقلابی... ۳۲. افزایش اقتدار دفاعی و امنیتی و انتظامی به منظور بازدارندگی و پاسخگویی موثر به تهدیدها... ۳۶. توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.»

تعطیلی دانشگاه آزاد شهرستان لار

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، به سبب ضرب و شتم چندین تن از دانشجویان، توسط افراد ناشناس [از همان تیپ افراد ناشناسی که فروهر ها، مختاری، بوینده و شریف را به قتل رساندند] و عدم امنیت جانی، دانشجویان از حضور در واحد دانشگاه آزاد شهرستان لار امتناع کردند و بدین ترتیب این تعطیل گردید.

بر اساس همین گزارش ها چاقو کشان و چماق داران انصار حزب الله تاکنون چندین بار به دانشجویان حمله کرده اند. آخرین نمونه آن یورش مزدوران به خوابگاه دانشجویان فنی - مهندسی دانشگاه بود که مهاجمان ضمن ضرب و شتم برخی از دانشجویان مقادیری البسه و وسایل زندگی آنان را به سرقت بردند.

جهان معاصر و آموزش های مارکس به مناسبت ۱۵ اردیبهشت ماه، سالروز تولد مارکس



مارکسیسم علم است، اما علمی که برای توضیح، تفسیر و تغییر جهان به وجود آمده است. زنده یاد رفیق طبری در رساله وزین و معتبر خود به نام «بنیاد آموزش انقلابی»، در توضیح پیدایش فلسفه مارکسیستی و مراحل عمده تکامل آن، بر این نکته مهم این گونه تاکید کرده است: «این فلسفه ثنی است که نه تنها جهان را توضیح می دهد، بلکه افزار معنوی تغییر جهان است» [۳].

و این نکته بی نهایت مهمی است، به ویژه در شرایط دگرگونی های بزرگ در عرصه جهانی. در دوران ماکه «جهانی سازی» در سوره برنامه های امپریالیسم قراردادی و اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، تاکید بر این ویژگی آموزش کارل مارکس ضرورتی دوچندان کسب می کند. در اینجا است، و درست بر پایه این شرایط عینی است، که یکی از بنیادی ترین جنبه های آموزش مارکس، باردیگر، پس از مدتی وقفه، با صراحت و قوت هرچه تمام تر مطرح شده است. نظریه مارکس پیرامون مساله دولت، دوران گذار از جامعه سرمایه داری به سوسیالیسم، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بیش از دیگر جنبه های آموزش او مورد انتقاد، تحریف و نفرت قرار گرفت. اما امروز، در اثر تغییر اوضاع جهان، بسیاری از این احزاب که به این تئوری پشت کرده بودند، با زهم صراحتا بدان توجه نشان می دهند. آنچه مارکس در برخی آثار خود، به ویژه در نقد برنامه «گتا» بر آن انگشت گذاشته، صرفا یک تئوری بافی بی پشتوانه ویا، به زعم سوسیال دمکرات ها، «نامه ثنی غیر دقیق» نیست. لنین این اندیشه مارکس را «چکیده همه آموزش های او» نامیده است. آغاز این بحث، نشانگر آغاز دوران جدیدی از رشد مارکسیسم است. در جهان معاصر، در دوران قدرت نمای امپریالیسم، اعتبار آموزش های کارل مارکس بیش از گذشته خودنمایی می کند. تکامل واقعی جامعه بشری و افق های روشن فردا در پر تو آموزش های کارل مارکس، واقعیتی است کتمان ناپذیر!

۱. کارل مارکس - زندگی نامه و فشرده ای از مارکسیسم - لنین - ترجمه جوانشیر، انتشارات حزب توده ایران ۱۳۵۵
۲. سرمایه - جلد اول - کارل مارکس - ترجمه ایرج اسکندری - انتشارات حزب ۱۳۵۲
۳. بنیاد آموزش انقلابی - احسان طبری - انتشارات حزب توده ایران ۱۳۵۰

سده بیستم، واپسین سال خودرانی گذراند. بشریت در آستانه هزاره سوم، با نبوهی از مشکلات، مصائب و نابسامانی هاروبه روست. در جهان تقسیم شده به فقیر و غنی، در جهان زیر فرمانفرمایی انحصارات فراملی، در جهانی که پول قدرت برتر آنست و بالاخره در جهان تحت حاکمیت سرمایه، چنان شرایطی فراهم آمده است که، کمتر کسی را، حتی در میان اندیشه پردازان مدافع سرمایه داری، می توان سراغ گرفت که در آستانه هزاره سوم از مارکس و آموزش های او سخن نگوید!

و اینست واقعیت جهان امروز! مارکس و مارکسیسم که پس از تحولات منفی دهه اخیر میلادی، یعنی بعد از فروپاشی شوروی و برقراری نظم نوین جهانی، توسط صدها «پژوهشگر، روشنفکر نخبه، اقتصاددان و جامعه شناس» بر آن خط بطلان کشیده شد و کار به آنجا رسید که حتی احزاب و اشخاصی در جنبش جهانی کارگری، به آموزش های او پشت کرده و آنرا کهنه قلمداد کردند، باردیگر و این بار با جدایت خیره کننده و توانایی علمی، در افق اندیشه پدیدار شده است. شیخ کمونیسم دوباره و این بار نه در اروپا، که برفراز جهان درگشت و گذار است!

سال های اخیر کوشش همه جانبه ای از سوی مدافعان سرمایه داری صورت پذیرفته است تا ثابت شود که آموزش های کارل مارکس اگر هم جنبه علمی و روشنفکرانه ای داشت فقط به سده بیستم و مسایل این سده مربوط بوده، سده ثنی که دیگر به تاریخ پیوسته است. در دوران فن آوری مدرن و رشد خارق العاده علم و فن، جایی برای مارکسیسم وجود ندارد! چنین تبلیغاتی با واقعیت مطابقت ندارد، و سرشت و اصول مارکسیسم درست خلاف آن را ثابت می کند. لنین در توضیح علمی آموزش کارل مارکس، در اثر فناپذیر خود به نام «کارل مارکس - زندگی نامه و فشرده ای از مارکسیسم» می نویسد: «مارکسیسم عبارت است از سیستم نظریات و آموزش مارکس. مارکس ادامه دهنده و فرجام بخش نابغه سه جریان فکری عمده قرن نوزدهم است، که به پیشرفته ترین سه کشور بشریت تعلق داشتند. فلسفه کلاسیک آلمان، اقتصاد کلاسیک انگلستان و سوسیالیسم فرانسه. در پیوند با کلیه آموزش های انقلابی فرانسه، مجموعه نظریات مارکس، ماتریالیسم معاصر و سوسیالیسم علمی معاصر را که تئوری و برنامه جنبش کارگری همه کشورهای متمدن جهان است، تشکیل می دهد. [۱]

آموزشی چنین منسجم که آفریده خرد و تکامل تاریخی جامعه بشری است، و بر بلندای چکاد دانش زمانه آفریده و برورده شده، چگونه ممکن است، با دانش و رشد آن بیگانه باشد و اثربخشی و صحت خود را از دست بدهد؟! سخن بر سر این نیست که مارکسیسم از هر گونه تغییر مبراست، دیالکتیک، جوهر اندیشه های مارکسیسم، هیچ پدیده ثنی را تغییر ناپذیر نمی داند. دیالکتیک، روح این آموزش قلمداد می شود. مارکسیسم مجموعه نظرات و یاه بیان روشن تر جهان بینی است که با پیشرفت دانش و تمدن بشری پدید شده و با پیشرفت و دانش بشری رشد و تکامل می پذیرد. به قول لنین: «در مارکسیسم چیزی شبیه دگم وجود ندارد.»

آموزش کارل مارکس اجزاء مجزا، ناپیوسته و منفک از یکدیگر و بدون ارتباط با جامعه نیستند. تمام توانایی و عظمت مارکس در این بود که مجدانه دنباله دستاوردهای بشری را پی گرفت و مجموعه ثنی به هم پیوسته و علمی را بنیان گذاشت. راز ماندگاری و رشد مارکسیسم در این حقیقت نهفته است.

مارکسیسم به نوبه خود، دانش بشری را اعتلا و قوام بخشید. هیچ عرصه ثنی از فلسفه و علوم اجتماعی نیست که از آموزش های مارکس و انگلیس متاثر نشده باشد. در آموزش های اقتصادی مارکس، که لنین آن را «محتوای اصلی مارکسیسم» می نامد، واقعیت سرمایه داری چنان داهیهانه ارزیابی شده است که روند تحولات اقتصادی و اجتماعی به دفعات بر آن مهر تأیید کوبیده است. بخشی از دشمنی سرمایه داری با مارکس بر سر همین مباحث است. مارکس در دیباچه چاپ اول اثر جاودانه خود «سرمایه» در این خصوص نوشته است: «آنچه را که من قصد دارم در این اثر تحقیق کنم شیوه تولید سرمایه داری و مناسبات تولیدی و مبادله های منطبق با آنست... در علم اقتصاد تحقیق آزاد علمی تنها یاهمان دشمنی که برای شعب دیگر دانش وجود دارد تصادف نمی کند. طبع خاص موضوعی که مورد بحث آنست شدیدترین و حقیرترین و کینه توزترین شهوات نفسانی که در سینه انسانی می جوشد یعنی حرص نفع شخصی را بر ضد خود می انگیزد» [۲].

در وضعیت کنونی، یکی از شگردهای اساسی که ضد مارکسیسم به کار برده می شود، عبارتست از تنزل آن به سطح صرفا یک بحث و تئوری مربوط به علوم دانشگاهی. بسیاری از «نخبگان» تربیت شده سرمایه داری، مارکسیسم را فقط در سطح یک پژوهش علمی که نباید از چارچوب «پژوهشگاه» خارج شود، معرفی می کنند. چنین مارکسیسم بی خطری، البته بسیار هم مورد توجه «اندیشمندان» قرار دارد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

فاجعه زندگی کودکان در رژیم ...

تاکشورهای عقب مانده و در حال رشد، بیش از ۸۰ میلیون کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در شرایط غیر انسانی به کارهای شاق مشغولند، ۳۰ میلیون کودک در خیابان‌ها می‌خوابند و روزانه ده هزار کودک از گرسنگی و بیماری هلاک می‌شوند. بر اساس گزارش یونیسف در آستانه سال ۱۹۹۶ میلادی، در جنگ‌های گوناگون در سراسر جهان در ده سال گذشته [از جمله جنگ خانمان سوز ایران و عراق] بیش از دو میلیون کودک قربانی شده‌اند. ۴ تا ۵ میلیون دچار نقض عضو، ۱۲ میلیون کودک آواره و بی‌خانمان، ۲۰ میلیون کودک یتیم و بی سرپرست و ۱۰ میلیون کودک دیگر دچار اختلالات روانی و روحی شده‌اند، و زندگی و آینده آنان تباہ گردیده است. اگر به این ارقام، تعداد کودکان بی شمار قربانی شده پس از سال ۱۹۹۶ را در جنگ‌های امپریالیستی، منطقه خلیج فارس، افغانستان، یوگسلاوی ... و بمباران‌های خانمان سوز و وحشیانه ناتورا اضافه کنیم به ارقام وحشتناک تری دست خواهیم یافت. در کشور ما برای نخستین بار در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۰، با ابتکار و پشتیبانی حزب توده ایران، شهر تهران شاهد مراسم باشکوهی بود به منظور بزرگداشت روز جهانی کودک از سوی جمعیت ایرانی حمایت کودک. در پنج دهه گذشته، نیروهای مترقی همواره تلاش کرده‌اند تا با ارتقاء سطح فرهنگی و آگاهی اجتماعی، مسأله دفاع از حقوق کودکان را در دستور کار جامعه قرار دهند. پیروزی انقلاب بهمین روزنه امیدی در این زمینه گشود که متأسفانه پس از سال‌های نخست انقلاب، بار دیگر بسته شد. در سایه واپس‌گرایی و تاریک‌اندیشی رژیم «ولایت فقیه» مشکلات فراوان کودکان که در رژیم ستم شاهی همچنان لاینحل مانده بود همچنان ادامه یافته و در برخی عرصه‌ها به ویژه حقوق دختران دشوار تر و غم‌انگیز تر شده است. غارت سرمایه‌های ملی توسط کلان سرمایه داران و دلالان، و صرف میلیاردها تومان برای تاسیسات نظامی و جنگی، اطلاعاتی - امنیتی و تشکیل شبکه‌های تروریستی و حاتم بخشی‌های کلان از جیب مردم به دارو دسته‌های مافیایی در داخل و خارج از ایران و ریخت و پاش‌هایی از این دست، دیگر جایی برای حل نیازهای طبیعی و اساسی کودکان باقی نمی‌گذارد. «هنوز در کشورمان ۱/۵ میلیون کودک ۷ تا ۱۰ ساله پایشان به مدرسه باز نشده و ۶۰ درصد کودکان ما دچار سوء تغذیه هستند و ده‌ها هزار کودک کارگر در زیر ۱۵ سال مشغول به کار هستند که هیچ کدام بیمه نیستند. هنوز به سیاق برده داری کودکان ما خرید و فروش می‌شوند...» (مجله آدینه، دی ماه ۱۳۷۷)

گرانی و فقر و وحشتناکی که دستاورد ۲۰ سال حاکمیت جنایتکار رژیم است از هم پاشیدگی بیش از پیش زندگی خانواده‌های زحمتکش و آینده مبهم و تاریک کودکان آنان را در پی داشته است. یکی از کارگران کارخانه آجر عالی اصفهان، که در روز ۶ آبان ۱۳۷۷ به علت عدم پرداخت حقوق اعتصاب کرده بود، به خبرنگار روزنامه کار و کارگر گفت: «چرا باید شرمند دخترم باشم که به خاطر کفش‌های پاره‌اش خجالت می‌کشد که در سر کلاس درس حاضر شود.»

فاجعه آموزش و پرورش

کودکانی که شانس ادامه تحصیل پیدا می‌کنند، حتی از ابتدایی‌ترین امکانات آموزشی (به ویژه در روستاها و شهرهای کوچک) محرومند. دکتر محمد عرفانی، عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، می‌گوید: «در حقوق ایران صراحتاً هزینه‌های مربوط به تعلیم و تربیت طفل که برای حمایت از کودک از اهمیت شایانی برخوردار می‌باشد پیش بینی نشده است.» (روزنامه همشهری ۲۳ تیرماه ۱۳۷۷).

مسئولان ایدئولوژیک هر سال از محتوای علمی کتاب‌های درسی می‌کاهند و بر حرم مطالب توجیه گر حکومت دیکتاتوری فردی و ضرورت اطاعت کورکورانه از ولایت فقیه می‌افزایند. در نظام «فقهی» نه تنها کوششی در زمینه هویت بخشیدن به کودکان صورت نمی‌پذیرد، بلکه تلاشی برنامه ریزی شده و موزیانه در جریان است تا رابطه کودکان را از گذشته‌های تاریخی، فرهنگی و هنری باشکوه میهن بگسلند، و ذهن‌شان را بامشتی دروغ و خرافه انباشته کنند. اخراج آموزگاران و دبیران بان تجربه، به اتهام دگراندیشی، و جایگزین ساختن آنان بامدرسین بی تجربه و ناآگاه به اصطلاح «مکتبی»، به جای شکستگی استعدادها و کودکان، موجب سرخوردگی و بی‌علاقگی آنان به ادامه تحصیل می‌شود. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ «از کل جمعیت ۶۰ میلیونی ایران نزدیک به ۳۰ میلیون

و ۸۱۴ هزار نفر در گروه سنی زیر ۱۹ و ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در گروه سنی زیر ۱۵ سال قرار دارند» (روزنامه کار و کارگر، ۱۸ بهمن ماه ۱۳۷۷). بانگ‌های گذرا به آمارها و گزارش‌هایی که در نشریات ایران به چاپ می‌رسد، می‌توان از عمق فاجعه آموزش و پرورش ذراتبیط بارش جمعیت و کمبود بودجه، مدرسه، کلاس‌های درس و دیگر امکانات ابتدایی آموزش، آگاهی یافت. به نمونه‌های اندکی از آنها اشاره می‌کنیم:

استان قم ۳ هزار و ۶۰۰ کلاس درس کم دارد؛ استان فارس به ساخت ۱۳ هزار و ۹۵ کلاس نیاز دارد و به دلیل کمبود فضای آموزشی یک هزار و صد کلاس درس در جادر یا کبیر برپا می‌شود و ۹۰۰ مدرسه فاقد تاسیسات بهداشتی است و ۵۴۰ روستا در استان فارس فاقد مدرسه‌اند، در شهرنظمن، محل تشکیل کلاس‌های آموزشی و حرفه‌ای و مرکز حمایت بیش از ۷۰ خانوادگی بی سرپرست و تنها کودکان شهر، به علت اختلاف بین شهردار و اداره بهزیستی تعطیل و حکم تخلیه آن از سوی مقامات قضایی صادر شده است؛ به دلیل کمبود بودجه، تعداد کتابخانه‌های روستایی کشور از ۱۳ هزار در سال ۱۳۶۱، به ۱۸۵۰ کتابخانه در حال حاضر کاهش یافته است؛ در استان کهگیلویه و بویراحمد در حدود ۲۰۰ فضای آموزشی بابل «طرح یک روزنفت» ساخته شد که متأسفانه به علت استفاده از مصالح غیر استاندارد (!) همگی در حال فروپاشی‌اند و حتی در مواردی تلفاتی نیز داشته است؛ ۵۰ هزار دانش آموز مازندران هم اینک در ساختمان‌های فرسوده مشغول تحصیل‌اند که نیاز جدی به بازسازی دارند؛ ۲۰۳ هزار کلاس درس در کشور کم داریم. (روزنامه همشهری، ۲۲ تیر، ۶ مهر، ۲۵ آذر، ۱۳ دی ماه ۱۳۷۷).

پیمان (کنوانسیون) جهانی حقوق کودک

پیمان جهانی حقوق کودک، که به مهم‌ترین خواست‌های کودکان (از زمان تولد تا سن ۱۸ سالگی) می‌پردازد، در سال ۱۹۸۹ به تصویب سازمان ملل متحد رسید. پذیرش این پیمان در هر کشور حکم قانون و به معنای الزام به اجرای آن است. این پیمان در حال حاضر تقریباً از سوی تمامی کشورهای جهان پذیرفته شده است. رژیم «ولایت فقیه» با تأخیر ۴ ساله سرانجام پیمان را در سال ۱۳۷۲ به صورت مشروط پذیرفت. البته این صورت مشروط نیز در عمل منتفی شد!

در ماده ۳۴ و ۳۶ پیمان جهانی کودک، کشورهایی که پیمان را پذیرفته‌اند، متعهد شده‌اند که از کودکان در برابر تمام شکل‌های سوء استفاده و استثمار‌های جنسی حمایت کنند. قوانین قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» هرگز چنین حمایتی را تأیید نمی‌کند. تبصره ماده ۱۲۱ قانون مدنی نظام «فقهی» مقرر می‌دارد که، سن بلوغ در پسران زده سال تمام و دخترانه سال تمام قمری است. در نتیجه دختر ۹ ساله را که از نظر جسمی و روانی کودکی بیش نیست به ازدواجی ناخواسته وامی‌دارند. البته ازدواج پیش از بلوغ هم با اجازه ولی (پدر یا جد پدری) طبق ماده ۱۰۴ قانون مدنی «ولایت فقیه» مجاز است؛ ولی همین دختر ۹ ساله که طبق قوانین به سن رشد رسیده و حتی قانوناً (!) می‌تواند او را به دار بیاویزند، اجازه شرکت در انتخابات را ندارد، زیرا حداقل سن شرکت در انتخابات ۱۵ سال تمام است؛ یا اگر پدری باتوهم این که کودک او به علت خیانت همسر نامشروع است، فرزند خود را به قتل برساند قابل قصاص نیست!

فاجعه کودکان خیابانی

کودکان خیابانی، کودکانی رها شده‌اند، غارت زده و فقر زده در این ناکجا آباد رژیم ضد مردمی که از جنبه‌های جسمانی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی دچار اختلالات هولناکی هستند. کودکان خیابانی که یکی از محروم‌ترین گروه‌های کودک در رژیم «ولایت فقیه» و محروم از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌اند، طیف گسترده‌ای از کودکان چند ماهه تا افراد زیر ۱۸ سال را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر هیچ سازمانی در کشور ما، به صورت رسمی و قانونی، مسئولیت رسیدگی به وضعیت این کودکان را به عهده ندارد. کودکان خیابانی، که پدیده‌ای روبه گسترش در کشور ما است، بیشترین ساعات و گاه تمام زندگی خود را در کوچه و خیابان می‌گذرانند و اکثراً به دام مجرمان حرفه‌ای می‌افتند و مورد سوء استفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند یا دچار اعتیاد به مواد مخدر می‌شوند. طبق آمارهای که از وضعیت این کودکان خیابانی در دو مقطع زمانی (سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶) تهنادر ۵ منطقه جغرافیایی بسیار بسیار کوچک تهران (هر منطقه به مساحت ۵۰۰ متر مربع) گرفته شده است، می‌توان به فاجعه هولناک کودکان خیابانی و تعداد روبه گسترش آن، نه تنها در تهران، بلکه در سراسر کشور زیر ستم «ولایت فقیه» پی برد:

فاجعه زندگی کودکان در رژیم ...

منطقه	سال ۷۵	سال ۷۶	تفاوت
میدان تجریش	۹	۱۳	+۴
میدان شوش	۱۷	۲۳	+۶
میدان آزادی	۱۴	۱۹	+۵
میدان رسالت	۲۱	۲۷	+۶
میدان انقلاب	۱۱	۱۶	+۵
جمع کل	۷۲	۹۸	+۲۶

نقل از ماهنامه جامعه سالم، تیرماه ۱۳۷۷؛ نوشته و پژوهش، خانم دکتر فاطمه قاسم زاده

برای پایان دادن به محرومیت های فاجعه بار کودکان، و تامین بهر روزی و آینده ی زیبا و شکوفا برای آنان، راهی جز وحدت، همبستگی و مبارزه ی یکپارچه با شرکت گسترده تمامی نیروهای مردمی در جهت طرد رژیم واپس گرا و فاسد «ولایت فقیه» وجود ندارد. مبارزه برای احقاق حقوق پایمال شده کودکان میهن ما، بخش جدایی ناپذیری از مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما است، که نیروهای مترقی از جمله حزب توده ایران به خاطر آن پیکار می کنند. گرامی باد روز جهانی کودک.

تصحیح و پوزش

در شماره ۵۵۷، «نامه مردم» بخش انتهایی، مقاله «بحثی پیرامون توسعه اقتصادی، سرمایه داری جهانی، و جامعه مدنی در ایران!» در صفحه بندی جا افتاده بود که با پوزش از خوانندگان عزیز بخش جا افتاده را در زیر درج می کنیم.

خصوصی رفته است؟ انتظار بسیار ساده لوحانه است اگر تصور کنیم این سرمایه عظیم انباشت شده، خود را در راه سرمایه گذاری درازمدت در راستای تولید منافع ملی آشکار خواهد ساخت. این سرمایه ها و سرمایه گذاران، بر اساس تجربیات بیست سال اخیر در «میدان باز» همان سرمایه گذاری تجاری انگلی را انتخاب کرده و خواهد کرد. تمرکز اصلی طرح پیشنهادی خاتمی نیز در این به اصطلاح «امنیت سرمایه و آزادی عمل» قابل توجه است. برای مثال، بند ۲-۴ این طرح اقتصادی متذکر می شود: «ایجاد اطمینان و برقراری شرایط مناسب کار و فعالیت برای سرمایه گذاری بخش خصوصی و دادن تضمین های لازم مبنی بر مصونیت از تعرض بر سرمایه و سود حاصل از فعالیت های اقتصادی» و هماهنگ و در پیروی از سیاست نولیبرالیسم در مورد انقباض نقش دولت و بسط نقش خصوصی در بند ۱-۱۲ مطرح می شود: «در حد امکان باید از ایجاد و توسعه کمی واحدهای اقتصادی و گسترش تصدی دولت در آنها جلوگیری شود و هر نوع توسعه فعالیت ویا شروع کار جدید اقتصادی به عهده بخش خصوصی و غیردولتی گذاشته شود و فقط در موارد لازم و غیراجتنابی (بخوان بدون سود) که ضرورت قطعی آنها باید به تأیید هیات دولت برسد اجازه توسعه کمی یا گسترش فعالیت... به شرکت های دولتی داده خواهد شد.» مسلماً احتیاجی نیست که تمامی فعالیت های اقتصادی جامعه در اختیار و مالکیت دولت قرار گیرد، ولی هر انسان صادقی می داند که با در نظر گرفتن سابقه نظام سرمایه داری، و گذاری فعالیت های اصلی اقتصادی به بخش خصوصی در میهن ما هیچ چیز به غیر از فاجعه یی اسفناک در پی نخواهد داشت. کوتاه سخن، هر انسان هوشیار، دلسو و مبارز راه رهایی میهن باید بدانند پیروی از سیاست نولیبرالیسم و اعمال سیاست های صندوق جهانی پول، با هدف گسترش سرمایه داری در ایران و وابستگی بیشتر آن به نظام سرمایه داری جهانی، تداوم فقر و بی عدالتی اجتماعی را به ارمغان خواهد داشت و به هیچ وجه در جهت توسعه کشور و ارتقاء سطح زندگی توده عمل نخواهد کرد. مسلماً چنین سیاست هایی نمی توانند زمینه سازی ریزی جامعه مدنی، آن طور که ما در بالا اشاره کردیم، باشد، بلکه کاملاً برعکس در مقابل آن قرار دارد. شاید به این دلیل است که در هیچ نقطه طرح ساماندهی اقتصادی رئیس جمهور کلمه «جامعه مدنی» رانمی توانیم بیابیم.

یکی از دلایل اصلی ناکامی های بی دریغ و عدم توانایی دولت خاتمی در رفع بحران اقتصادی و دگرگون سازی روبنای سیاسی کشور، همانا عدم توجه به رابطه تنگاتنگ میان زیربنای اقتصادی و روبنای سیاسی است. باید توجه کرد که، باور به تحول بنیادین، دموکراتیک و پایدار در عرصه سیاسی و اقتصادی در میهن ما در غیاب برخورد قاطع با مقوله «ولایت فقیه» و عدم دگرگون سازی زیربنای اقتصادی موجود، هیچ چیز به غیر از شکست سیاسی و ناامیدی را به همراه نخواهد داشت.

ادامه ارتجاع در تدارک یورش به جنبش ...

کنید چون مثل کدیور فکر می کنیم!» ساعت ها در محوطه داخلی سردر دانشگاه تهران تجمع کردند، و در سخنرانی های متعدد، خواهان آزادی زندانیان سیاسی و لغو دوران زندان محسن کدیور شدند. دانشجویان شرکت کننده در این حرکت، اعلام کردند که، اعتراض های خود را در هفته های آینده ادامه خواهند داد. در روزهای اخیر خبر از حرکت های وسیع اعتراضی بر ضد رژیم در دانشگاه آزاد، در رسانه های گروهی انتشار یافته است. عبدالله جاسبی، از کارگزاران ارتجاع و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، طی سخنان شدید الحنی که در نماز جمعه تهران ایراد کرد، ضمن اشاره به هفدهمین سالگرد تأسیس دانشگاه آزاد، با تهدید مستقیم نیروهای آزادی خواه و خصوصاً دانشجویان مبارز، گفت: «رسانه هایی که به دنبال اغتشاش هستند، با استفاده از ایادی خود در دانشگاه ها تلاش دارند تا با بزرگ نمایی نقاط ضعف و با دروغ و افترا، ذهن نسل جوان دانشجوی را نسبت به این نهاد مقدس و اصول اسلامی خدشه دار سازند.» وی سپس ضمن تهدید به پاکسازی مجدد دانشگاه ها، گفت: «اجازه نمی دهیم عوامل و ایادی برخی مطبوعات نوظهور که اغلب به گروه های غیر قانونی وابستگی دارند، با قلم مسموم خود خط تشنج و اغتشاش را در دانشگاه آزاد اسلامی دنبال کنند. ما در حال شناسایی عوامل یاده شده هستیم و در چارچوب ضوابط و مقررات ضمن حذف آنان از صحنه دانشگاه، مردم و دانشجویان را از این که چه دست هایی به دنبال تشنج آفرینی هستند، آگاه می کنیم.»

بر اساس گزارش روزنامه نشاط، پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت، برخورد میان دانشجویان دانشگاه آزاد و مدیریت ارتجاعی این دانشگاه در هفته های اخیر تشدید شده است. «تجمع دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه آزاد اسلامی» در قم، با انتشار بیانیه یی اعلام کرده است که: «پس از انتخابات ریاست جمهوری و آغاز برنامه توسعه سیاسی سید محمد خاتمی، حرکت دانشگاه های ایران برای خروج از رکود سیاسی آغاز شد و پویایی و نشاط در بین دانشجویان چشمگیر شده است. اما متأسفانه دانشگاه آزاد از این روند مستثنی است و هنوز پس از دو سال کمترین نسیمی از توسعه سیاسی در آن نوزیده است.»

در روزهای اخیر همچنین، به تحریک روزنامه های چماق داری همچون کیهان و رسالت، در شهرهای مختلف نسبت به انتخابات دفتر تحکیم وحدت اعتراض هایی سازمان دهی شد. از سوی دیگر خبر رسید که در سیستان و بلوچستان، چماق داران «ولی فقیه»، در پوشش «بسیج دانشجویی» به مراسم «تربیون آزاد» دانشگاه این استان حمله و عده یی از دانشجویان را مضرور و مجروح کرده اند. در نامه سرگشاده یی که توسط عده یی از دانشجویان این دانشگاه به سید علی خامنه ای ارسال شده از جمله آمده است: «جماعتی خشونت طلب که از قبل توسط بعضی از نیروهای ... در درون شهر زاهدان سازماندهی شده بودند، با سلاح سرد وارد دانشگاه شدند که پس از شکستن حرمت و حریم مقدس دانشگاه به دانشجویان حمله ور شدند و دانشجویان حاضر را مورد ضرب و شتم قرار دادند.» به گزارش روزنامه نشاط، سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه، بسیج دانشجویی این دانشگاه نیز با انتشار بیانیه یی، علت درگیری ها را یورش دانشجویان به فیلم برداری یک عضو بسیج دانشجویی و تنی چند که به کف و سوت زدن «در ایام محرم» اعتراض داشتند، ذکر کرده است. به گزارش ناظران، چماق داران حزب الله که از سوی نیروهای انتظامی و سپاه هدایت می شدند در این یورش از انواع سلاح و تجهیزات نیروهای امنیتی، از جمله بی سیم مجهز بودند.

از مجموعه آنچه که گفته شد، روشن می گردد که پس از یورش هفته های اخیر به نیروهای دگراندیش ارتجاع حاکم در تدارک یورش گسترده یی به جنبش دانشجویی کشور است. ارتجاع از سنن پرافتخار جنبش دانشجویی، از ۱۶ آذر ۳۲ تا به امروز، به خوبی آگاه است، و از همین رو برنامه گسترده یی را برای پاکسازی و حتی در صورت لزوم بستن مجدد دانشگاه ها، تدارک دیده است. برخوردهای اخیر همچنین تأییدی بر این نظر نیروهای مترقی و جنبش دانشجویی کشور بود که، تشکیل «بسیج دانشجویی» توطئه حساب شده یی برای مستقر کردن رسمی نیروهای انتظامی و سرکوبگر در دانشگاه های کشور بود که به فرمان «ولی فقیه» و به دست مجلس شورای اسلامی تحقق یافت.

با توجه به حاد شدن تضادها، و درگیری های حاکمیت با نیروهای مردمی و انبوه عظیم مردم جان به لب رسیده، جنبش دانشجویی کشور، در کنار جنبش کارگری و مبارزه زنان برای احقاق حقوق شان، نیروی توانمندی است که در تحلیل نهایی می تواند سرنوشت نبرد میان آزادی و استبداد را در میهن ما تعیین کند. دفاع همه جانبه از جنبش دانشجویی، شرکت فعال در آن و کمک به ارتقاء سازمان دهی آن، از وظایف بسیار مهمی است که در برابر نیروهای مترقی، از جمله توده ای ها قرار دارد. باید با هوشیاری توطئه های ارتجاع را در هم کوبید. سخنان تهدید آمیز جاسبی، کارگزار ارتجاع و واپس گرایی مبنی بر شناسایی و اخراج دانشجویان مبارز از دانشگاه آزاد، توطئه یی است که باید با تمام توان در مقابل آن ایستاد. تظاهرات، اعتصاب و تحصن از جمله اشکال مختلف مبارزه اند که می توان و باید از آنها سود جست. جنبش دانشجویی اکنون بیش از چهار دهه است که با شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» به مصاف ارتجاع و حکومت های استبدادی حاکم بر میهن ما رفته، و سربلند در برابر تاریخ، نقش مهم و برجسته یی را در نبرد مردم ایفاء کرده است. این نقش و مبارزه در اوضاع کنونی از اهمیت ویژه یی برخوردار است و بنابراین ضروری است تا در راه حفظ و بسط آن همه نیروها را به کار گرفت. توده ای ها در این راه همه امکانات و توان خود را به کار خواهند برد.

ادامه دوسال پس از خرداد ۷۶ ...

تحلیل از بالا عنوان شده است... رأیی که آقای خاتمی کسب کرد نیز از یک طرف رأی اصلاح و تغییر از طرف نیروهای جدید اجتماعی است؛ نیروهایی که قدرت اعمال نظر خویش را پیدا کرده اند. از طرف دیگر این رأی پژواک آن تحول گفتمانی است که تغییر را همراه آرامش و متانت و با اتکاء به عقل نقاد و به دور از خشونت طلب می کند.»

حزب توده ایران، سه روز پس از انتخابات ریاست جمهوری، در فضای پریشان گویی ها و تحلیل های ناشی از گیجی بسیاری از نیروهای سیاسی، در ارزیابی این تحول بزرگ نوشت: «در حالی که مراکز پر قدرت رژیم در هرم رهبری آن مانند «ولی فقیه»، شورای نگهبان، حوزه علمیه قم (علی رغم برخوردهای درونی)، جامعه روحانیت مبارز و بخش مهمی از رهبری روحانیت، ناطق نوری (نماینده جناح حاکم) را به عنوان نامزد «اصلاح» و مورد تأیید خود معرفی کردند و رأی دادن به نامبرده را «وظیفه شرعی» مردم اعلام کردند، توده های عظیم خلق علی رغم شرایط غیر دموکراتیک تحمیل شده ضربه قاطعی را به گردانندگان رژیم ولایت فقیه زدند و با رأی خود مخالفت آشکار و صریح خود را با «ولایت فقیه» و سیاست های ضد مردمی اش به روشنی اعلام کردند. رأی ۲۰ میلیونی مردم را می بایست در واقع به مثابه رفراندومی علیه ادامه استبداد و رژیم «ولایت فقیه» ارزیابی کرد. آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم «ولایت فقیه» علی رغم خواست عظیم توده ها به انجام تغییرات دموکراتیک، مصمم است به سیاست های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییر اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه ما باشد.» (برگرفته از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۵ خردادماه ۱۳۷۶، به نقل از نامه مردم، شماره ۵۰۷).

تحولات دو سال گذشته نیز مویید این برداشت دور اندیشانه حزب ما بود که، ارتجاع حاکم آماده است تا از تمام توان و امکانات خود برای مقابله با خواست مردم بهره جوید. ما از همان ابتدا، در بحث با نیروهای «جبهه دوم خرداد» خصوصاً هواداران محمد خاتمی، بر این نکته تأکید کردیم که، با حفظ «ولایت فقیه» به عنوان مرکز پر قدرت تصمیم گیری سیاسی در ایران به استقرار آزادی و جامعه مدنی نمی توان امیدوار بود. یورش های متعدد نیروهای مدافع «ذوب در ولایت»، تهدید های مستقیم و مشتمله کننده فرمانده جدید سپاه پاسداران، رحیم صفوی، به «گردن زنی» و «زبان بری» مخالفان «ولایت فقیه»، و سرانجام جنایات برنامه ریزی شده وزارت اطلاعات رژیم و کشتار مبارزان راه آزادی، پروانه و داریوش فروهر و سپس شریف، مختاری و پوینده، نشان داد که ما دید درستی نسبت به روند رویدادها داشتیم. امروز بسیاری از نزدیکان رئیس جمهوری نیز بر این واقعیت اعتراف دارند که، برنامه «توسعه سیاسی» در خطر سرکوب دایمی نیروهای ارتجاعی قرار دارد. حتی بسیاری از نزدیکان رئیس جمهوری، از جمله وزیر ارشاد، که اخیراً در مجلس شورای اسلامی به دلیل «شل کردن» طناب سانسور و اختناق، به استیضاح کشانده شد، در مجالس خصوصی صحبت از «کودتایی که ما پشت سر گذاشتیم» می کند (اشاره به جنایات وزارت اطلاعات که قرار بود در ابعاد دامنه داری ادامه پیدا کند)، و با نگرانی از امکان سرکوب سخن می گوید.

نکته اساسی که در تحلیل حزب توده ایران، در این دوسال، با تفاوت چشمگیری از سایر نیروها بارها بر آن

تأکید شده و گذشت زمان بسیاری را بدان معتقد ساخته، این است که سرنوشت تحولات آینده مین ما بستگی مستقیم دارد به سطح آمادگی و سازمان یافتگی جنبش توده ها، که در دوم خرداد ماه، در ابعاد گسترده و وسیعی به صحنه مبارزه آمد. ما ضمن اینکه برخوردها را در بالا و تنش و درگیری ها را بین گروه های مختلف حاکمیت با اهمیت می دانیم و معتقدیم که جنبش مردمی باید از همه اختلاف ها و تضاد ها بهره جوید، عمیقاً بر این اعتقادیم که تا آنجائی که برخوردها در بالا تنها بر سرچگونگی حفظ «نظام» است، همیشه این خطر وجود دارد که در حساس ترین مقاطع بین نیروهای «خودی» بر سر حفظ این مجموعه سازش شود. ما در ضمن بر این نکته نیز واقفیم، که در دوسال گذشته، بسیاری از نیروهای «خودی» زیر تأثیر مستقیم جنبش، جای خود را تغییر داده اند و اکنون به نظر رژیم جزو نیروهای «محارب» و «ضد نظام» محسوب می شوند. این پدیده با اهمیتی است که، در واقع، نشانگر عمق بحران و ورشکستگی نظری - فکری رژیم «ولایت فقیه» است. بیهوده نیست که سید علی خامنه ای، در سخنان تهدید کننده خود در روزهای اخیر، به روشنی تأکید کرده است که نباید اجازه داد آزادی های موجود از حد خارج شده و به حربه مخالفت و ضدیت با «نظام» تبدیل شود. به گفته او: «آثار هنری که تأثیر ویرانگر اخلاقی به دنبال دارند، به هیچ وجه قابل پاسخگویی نیستند و باید با جدیت تمام مانع از انجام آن شد و این همان میزنی واجب است» (روزنامه همشهری، چهارشنبه، ۲۹ اردیبهشت ماه).

میهن ما دو سال پر از تحول و رشد جنبش و نیروهای مردمی را پشت سر گذاشته است. رشد چشمگیر جنبش کارگران و زحمت کشان که شکوه آن در برگزاری حرکت های اعتراضی در سراسر ایران، در روز ۱۱ اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر، متبلور بود، در کنار رشد چشمگیر جنبش دانشجویی و همچنین پیکار زنان برای احقاق حقوق پامال شده شان، جوانه های امید ریشه داری برای آینده اند، که با اتکاء به آنها، راه تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در ایران را باید گشود. جنبش هنوز با مخاطرات زیادی روبه رو است. جنبش مردمی، به دلیل پراکندگی و عدم سازمان یافتگی، هنوز در مقابل تهاجم خونین و سرکوبگرانه ارتجاع ممکن است با شکست روبه رو شود، و ارتجاع حاکم نیز هنوز از توان زیادی برای متوقف ساختن حرکت توده ها برخوردار است. اما زمان به سرعت در مسیر عکس واپس گرایی و استبداد در گردش است. با گذشت زمان، طیف نیروهای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه گسترش یافته و آن چنان توانی را در جامعه پدید خواهد آورد که حرکت های سرکوبگرانه دیگر نتواند جنبش را مهار کند. جنبش، سال مهم و پر حادثه ئی را پیش رو دارد. انتخابات مجلس شورای اسلامی در پیش است و از هم اکنون نیروهای ارتجاعی اعلام کرده اند که با اعمال نظارت استصوابی اجازه نخواهند داد نیروهای موفتف جبهه دوم خرداد اکثریت مجلس را به دست گیرند. با موضع گیری روشن خامنه ای در دفاع از نظارت استصوابی، جناح مقابل یا باید در مقابل این خواست «ولی فقیه» تسلیم شود یا با اتکاء به نیروی مردمی حاضر در صحنه به مبارزه خود برای تحمیل نظراتش ادامه دهد. موضع گیری در این زمینه و در بسیاری از عرصه های دیگر، از جمله روشن کردن پرونده جنایات وزارت اطلاعات از دیگر عرصه های مهم مبارزه است. آنچه مهم است این است که، نیروهای مترقی تمام توان و امکانات خود را برای بهبود و ارتقاء سطح سازمان یافتگی جنبش به کار گیرند. اوضاع بی شک برای چنین تلاش هایی بسیار مناسب است. ما با خوشبینی تاریخی به آینده می نگریم و اطمینان داریم که پیروزی نهایی با جنبش مردمی است، و سرانجام رژیم «ولایت فقیه» نیز مانند سلف شاهنشاهی اش، به زباله دان تاریخ سپرده خواهد شد.

ادامه مبارزه جهانی بر ضد ...

های غربی است. در اکوادور و پورتوریکو، اعتصاب های وسیع، کشور را از ابتدای سال مسیحی بدفعات فلج کرده است، و اتحادیه های کارگری عهد کرده اند که خصوصی سازی را، که به معنای واقعی کلمه کشورهاشان را فنا کرده و فقط به ثروتمند شدن معدودی می انجامد، لغو کنند.

نیجریه:

اکنون سال ها است که سران دولت نظامی نیجریه از منابع همگانی برای به جیب زدن میلیاردها دلار و ثروتمندتر شدن خود استفاده کرده اند. اساساً، صنایع عمومی این کشور در واقع همچون شرکت های خصوصی - خانوادگی در اختیار رژیم های نظامی بوده اند، و کسانی که تلاش کرده اند که این امر را افشاء و در مقابل آن مقاومت کنند کشته شده، زندانی گشته و یا به طور دائم مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند. اکنون که رژیم نظامی ژنرال ابوبکر قبول کرده است که کنترل دولت را به برنده انتخابات اخیر، اوله گوسان اوباسانجو، بدهد، تلاش می کند که «رسماً» بیشتر صنایع همگانی عمده، از جمله منابع عظیم نفت نیجریه، را به بخش خصوصی بسپارد. خوشحانه، اوباسانجو، که از طرف جنبش های اجتماعی و سازمان های مدنی بی شماری حمایت می شود، در مقابل این تلاش ها که به منظور کامل کردن نقض حاکمیت یک ملت انجام می شود، مقاومت می کند.

ابوبکر و همپالکی هایش مجبور به عقب نشینی از برنامه خصوصی سازی ئی شده اند که در نظر داشتند به اجرا در آورند. اما این در آینده مشخص خواهد شد که آیا اوباسانجو به بازگرداندن منابع عمومی به یک دولت دموکراتیک و استفاده مسئولانه از آنها متعهد خواهد ماند یا نه.

و در بقیه جهان:

مبارزات مداومی که بر ضد خصوصی سازی در سراسر جهان در پیش گرفته می شوند، آقدر زیادند که ذکر همه آنها ممکن نیست. اما میلیون ها نفر از مردم، به موازات مبارزاتشان بر ضد نخبگان سیاسی و اقتصادی داخلی در کشورهای خودشان، در مقابل امپریالیسم دولت های غربی و سرمایه مالی چندملیتی ها، مقاومت می کنند. در حالی که بسیاری از این مبارزات کاملاً پیشرفته اند، برخی مبارزات در شرایط بسیار سرکوبگرانه ای صورت می پذیرند. این وظیفه همه انسان های ترقی خواه است که حمایت و پشتیبانی انترناسیونالیستی خود را از این مبارزات مهم نشان بدهند.



شکست لیکود و صلح خاورمیانه

بدنبال اعلام نتایج انتخابات ۲۷ اردیبهشت ماه اسرائیل، اهود باراک، نخست وزیر جدید اسرائیل از حزب کارگر، در اولین موضع گیری های خود، قصد این کشور به بیرون کشیدن نیروهای اشغالگر از جنوب لبنان را اعلام کرد. شکست سخت حزب راستگرایان لیکود، که در انتخابات از ۱۲۰ کرسی پارلمان فقط ۱۹ کرسی را تصاحب کرد، عملاً به معنای طرد سیاست جنگ طلبی و سنگ اندازی در راه صلح، از سوی مردم اسرائیل است. با مشخص شدن نتایج انتخابات بنیامین نتانیاو، نخست وزیر شکست خورده اسرائیل، از رهبری حزب لیکود استعفا کرد. اهود باراک، در اظهارات خود، تشکیل یک ائتلاف وسیع را که حتی ممکن است شامل لیکود هم بشود، مطرح کرده است. رهبران فلسطینی، در عین اظهار خوشحالی از شکست نیروهای افراطی راست، نگرانی خود، در مورد مشکلات باقی مانده بر سر راه روند صلح اعلام کردند. یکی از مذاکره کنندگان اصلی فلسطینی با دولت اسرائیل اظهار داشت «روابط با باراک آسان نخواهد بود، اما این بهتر است که با یک مذاکره کننده سرسخت رو به رو باشیم تا اینکه با طرفی که قصد مذاکره ندارد، و نتانیاو مذاکره گر نبود.»

یاسر عرفات، رهبر دولت خود مختار فلسطینی، اظهار امیدواری کرد که انتخاب باراک، به معنای پیشرفت روند صلح باشد. اظهارات اولیه اهود باراک در رابطه با روند صلح در خاورمیانه نشان دهنده موضع سرسخت او در مذاکره پیرامون قرارداد نهایی صلح با فلسطینی ها است. او گفت که، اسرائیل کنترل بر تمامی اورشلیم را حفظ خواهد کرد، بخش های عمده شهرک های یهودی نشین در کرانه غربی و نوار غزه حفظ خواهد شد و به اصرار به غیر نظامی ماندن فلسطین خود مختار ادامه خواهد داد. شیخ نعیم قاسم، سخنگوی حزب الله لبنان اظهار داشت که، پیروزی حزب کارگر و انتخاب اهود باراک هیچ گونه تغییری در موضع آنها ایجاد نخواهد کرد: «چیزی اتفاق نیفتاده که ما را به کاهش عملیات مقاومت خود وادارد. ما تصمیم به ادامه عملیات خود و تشدید آن داریم.» دولت لبنان نیز گفت هیچ نشانه ای از تغییر در سیاست اسرائیل که منجر به صلح در خاورمیانه بشود، وجود ندارد. یک سخنگوی نخست وزیر لبنان، سلیم الحص، اظهار داشت: «هیچ تفاوتی میان باراک و نتانیاو وجود ندارد، و بهترین گواه آن سخنان او پس از انتخابش است. او عقب نشینی به مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷ را مردود شمرده است، و وعده او درباره تخلیه جنوب لبنان فقط حرف است، زیرا که تخلیه وقتی صورت می گیرد که همان گونه که قطعنامه ۴۲۵ سازمان ملل مقرر می دارد، اسرائیل نیروهای خود را به طور غیر مشروط عقب بکشد.»

دیدار ماندلا از چین و روسیه

نلسون ماندلا رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، طی دیداری از چین، ضمن تمایل به

افزایش همکاری های دو کشور، در چند جلسه سخنرانی شرکت کرد. وی در سخنرانی، که در دانشگاه پکن ایراد کرد، گفت: «کشورهای فقیر نباید قربانی جهانی شدن اقتصاد شوند... در به هم پیوستگی اقتصاد ما و سیستم اقتصاد جهانی... افزایش فاصله [اقتصادی] بین متمدن و بخش های فقیر بشریت مشاهده می شود...» ماندلا همچنین از عملیات نظامی «ناتو» در یوگوسلاوی انتقاد کرد و گفت: «سازمان های بین المللی باید بهتر بتوانند منعکس کننده نیازهای کشورهای رو به رشد باشند، و اینکه سرپیچی «ناتو» از تصمیمات «سازمان ملل» در مورد بحران «کوسوو»، می تواند جهان را به نابودی بکشاند.»

در روز چهارشنبه ۲۸ آوریل نیز ماندلا، بنا به گفته او، برای «ادای دین شخصی خود» به اتحاد شوروی، وارد روسیه شد. وی در فرودگاه گفت: «من از کشورهای مختلف جهان دیدار کرده ام و خیلی مضحک است که روسیه باید آخرین نقطه مسافرت من باشد. ما در مبارزاتمان کمک های بی شائبه ای را از اتحاد شوروی دریافت کردیم، کمک هایی که هیچ گاه از طرف غرب نشد. روسیه می بایستی اولین کشوری می شد که من ملاقات می کردم، و من حالا در اینجا هستم تا دین خود را ادا کنم.» ماندلا همچنین از مسکو برای کمک های آن طی سال های مبارزه دمکراتیک ملی در آفریقای جنوبی، قدردانی کرد. اولیور تامبو، رهبر فقید کنگره ملی آفریقای جنوبی، نیز سال ها پیش در مصاحبه ای گفته بود که اتحاد شوروی «یک متحد واقعی در مبارزات ما بود، بدون آنکه به دنبال به اصطلاح منافع «خود خواهانه» خویش باشد یا اینکه قصد تحکیم و گسترش نفوذ خود را داشته باشد.»

ناتو بر سر دو راهی

با وارد شدن جنگ ناتو بر ضد یوگوسلاوی به هشتمین هفته خود، نشانه هایی جدی از شکاف عمیق میان مواضع کشورهای عضو پیمان تجاوزگر ناتو ظاهر می شود. پیشنهاد دولت یونان به قطع بمباران برای ۴۸ ساعت به منظور انجام مذاکره برای پیدا کردن یک راه صلح آمیز، مخالفت دولت آلمان با ورود ارتش کشورهای عضو ناتو به یوگوسلاوی، اصرار انگلستان به اشغال کوسوو در شرایطی مطرح می شوند که افکار بین المللی به طور فزاینده ای مخالفت جدی خود را با ادامه بمباران جایتاکرانه یوگوسلاوی به نمایش می گذارد. اصابت موشک های ناتو به سفارتخانه چین در بلگراد، موجی از محکومیت بین المللی را به دنبال داشته است. آمریکا و انگلستان با اعلام اینکه بمباران سفارت چین محصول یک اشتباه بوده است، از این کشور عذر خواهی کردند. تظاهرات دامنه دار کارگران و دانشجویان چینی در مقابل سفارتخانه های آمریکا و انگلستان، و موضع دولت چین در محکوم کردن ناتو و درخواست پایان بمباران ها که از سوی تعدادی از کشورها مطرح شده است، عملاً ابعاد جنبش ضد جنگ را وسعت بخشید. دولت چین اعلام کرده است که، مادامی که بمباران ها ادامه دارد، با بحث در شورای امنیت پیرامون یک راه حل صلح آمیز برای بحران بالکان، مخالفت خواهد کرد.

نشانه هایی جدی در دست است که مذاکرات وزرای خارجه گروه ۸ (۷ کشور سرمایه داری به علاوه روسیه) در رابطه با قطع جنگ که با اصرار روسیه برگزار شده بود، به نتایجی رسیده است. در هفته های اخیر، چرنومیردین، نماینده ویژه یلتسین در رابطه با جنگ ناتو بر ضد یوگوسلاوی - دیپلماسی فعالی را دنبال کرده است. در روزهای پایانی اردیبهشت ماه نشانه هایی از امکان راه حل مبتنی بر مذاکره به چشم می خورد. چرنومیردین در مسافرتی به چین سعی در جلب توافقی رهبران این کشور برای طرحی کرد که پایه های آن در مذاکرات روسیه با ۷ کشور اصلی سرمایه داری ریخته شده بود. او پس از ملاقات با رئیس جمهوری چین گفت: «اصل اساسی توقف بمباران است و این موضع اصلی است.» او گفت: «ضروری است که ابتدا بمباران ها باید قطع شود و بعد از آن مذاکره صلح آمیز ادامه پیدا کند. طرف چینی در حال مطالعه تصمیم های گروه ۸ است. تصمیم های گروه ۸ می تواند اساس مذاکرات آینده باشد.» روسیه مصر است که اسلو بودان میلوویچ، رئیس جمهوری یوگوسلاوی، باید در هر راه حلی برای بحران سهم باشد. چرنومیردین گفت: «میلوویچ رئیس جمهوری یوگوسلاوی است و هیچ شخصیت دیگری وجود ندارد.»

جنگ ستارگان نوین!

سفرای روسیه و چین در کنفرانس سازمان ملل در مورد خلع سلاح، که در ژنو در جریان است ایلات متحده را متهم کردند که، تصمیم این کشور در بکار گیری سیستم دفاعی ضد موشکی سراسری، پیمان ممنوعیت استفاده از موشک های بالیستیکی را عملاً نقض کرده و منجر به مسابقه تسلیحاتی در فضا خواهد شد. کنفرانس سازمان ملل پیرامون خلع سلاح، به مدت ۱۰ هفته در ژنو در جریان است. به تقاضای سفیر ویتنام که ریاست کنفرانس را به عهده دارد، نمایندگان کشورهای حاضر برای «همدردی و تسلیت با دولت چین و خانواده های قربانیان بمباران سفارت چین توسط ناتو» یک دقیقه سکوت کردند. سیدوروف، سفیر روسیه در کنفرانس، با اشاره به اهمیت فوق العاده پیمان ممنوعیت موشک های بالیستیکی به مثابه «یک عامل ثبات استراتژیک و امنیت بین المللی» اظهار داشت: «اجرای طرح های موجود برای استقرار سیستم های سراسری دفاع ضد موشکی، نقض تعهدات پایه ای براساس پیمان ممنوعیت استفاده از موشک های بالیستیکی است که خواستار عدم استقرار سیستم های ضد موشکی بالیستیکی برای دفاع از قلمرو ملی است.» لای ای -

سفیر چین اضافه کرد: «این تصمیم تأثیری قابل توجه و منفی بر توازن، امنیت جهانی و منطقه ای خواهد داشت، و منجر به آغاز دور جدیدی از مسابقه تسلیحاتی خواهد شد و به زبان روند خلع سلاح بین المللی خواهد بود.»

مبارزه قدرت در روسیه

تحولات روسیه، در هفته های اخیر، بار دیگر این کشور را در بحران سیاسی عمیقی فرو برد. یلتسین، به طور غیر منتظره ای یوگنی پرماسکوف، نخست وزیر، و تمامی دولت را از سمت خود برکنار کرد و سرگنی استیاشین - یکی از افراد وفادار خود را - به عنوان نامزد نخست وزیری اعلام کرد. یلتسین که بر طبق قانون اساسی حقوق ویژه ای دارد، در سال های اخیر بدفعات دولت را با یک فرمان قطع کرده است. انحلال دولت و برکناری شخصیت های عمده دولتی، بخشی از مانور یلتسین برای حفظ و کنترل اهرم های قدرت است. در بحث های شورای فدراسیون، یگور استرویوف، در روز ۲۸ اردیبهشت اظهار داشت که «آری رئیس جمهور حق بر کناری نخست وزیر را دارد، ولی تغییراتی از این دست به معنای یک بحران سیاسی عمده است.» ضروری است که قوانین تغییر دولت تغییر داده شود. چنین تصمیماتی نباید بدون توافق پارلمان جامعه عمل بپوشد. پارلمان روسیه در روز ۲۹ اردیبهشت نامزدی سرگنی استیاشین برای پست نخست وزیری را تایید کرد. رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، گنادی زیوگانوف، در اظهاراتی خاطر نشان کرد که، در روسیه مادام که یلتسین رئیس جمهوری است این اهمیت ندارد که چه کسی نخست وزیر است: «مادام که یلتسین در کرمین است، هر دولتی، دولت گذرا است، او هر کاری را بر طبق میل خودش انجام میدهد و هیچ راه دیگری هم باز نخواهد بود.»

کوشش های جبهه مخالفین یلتسین در دوما که اکثریت آن در دست حزب کمونیست فدراسیون روسیه است برای تصویب قطعنامه در رابطه با عدم کفایت یلتسین برای ریاست جمهوری، با بیکاری های نیروهای نامسوئیست، عملاً غیر موفق ماند. نمایندگان دوما در روز ۲۵ اردیبهشت با ۲۸۶ رای خواستار برکناری یلتسین گردیدند. بر طبق قانون اساسی، برای تصویب قانونی چنین تصمیمی، رای دوسوم نمایندگان دوما یعنی ۳۰۰ رای لازم است.

افزایش بیکاری در آلمان

طبق آخرین آمار منتشر شده، طی ماه آوریل، بر تعداد بیکاران آلمان، بزرگ ترین قدرت اقتصادی اروپا، افزوده شده است. طبق گزارش اداره کار آلمان، در ماه آوریل تعداد بیکاران این کشور بالغ بر ۴/۰۸۶ میلیون نفر بود که قریب ۱۰/۶ درصد از نیروی کار را شامل می شود. طبق همین گزارش تعداد بیکاران در بخش غربی آلمان ۲/۷۹۹ میلیون است که در برگیرنده ۹ درصد از کارگران است، در حالی که در بخش شرقی آلمان قریب ۱/۳۴۶ میلیون نفر بیکارند که برابر با ۱۷/۸ درصد کارگران است.

بر گرفته از مجله «آفریکن کمونیست»

مبارزه جهانی بر ضد خصوصی سازی

در زمانی که ایالات متحده و متحدان غربی آن استفاده از قدرت نظامی را جهت تحمیل خواست های استعماری خود در بالکان برگزیده اند، بقیه جهان در حال توسعه نیز در معرض نوع دیگری از «بالکانیزه» شدن امپریالیستی، یعنی سپردن منابع و خدمات عمومی به بخش خصوصی اند. در طول چندسال گذشته، ایالات متحده و متحدان آن، در هم پیوندی با شرکت های چندملیتی، به موازات تضعیف پایه سیاسی و اقتصادی دولت های محلی و ملی، تهاجمی را برای خصوصی سازی با هدف قدرت بخشیدن به سرمایه، رهبری کرده اند.

این استراتژی، که غالباً با شرکت فعال سیاستمداران و نخبگان خانگی دنبال می شود، به اهداف استعماری دوگانه ای: تضعیف حاکمیت ملی کشورها و انتقال منابع عمومی عظیم به زیر کنترل بخش خصوصی، بدون نیاز به هیچ گونه عمل نظامی، نایل شده است. ولی مردم در سراسر جهان مبارزه ئی بی امان را بر ضد این روند آغاز کرده اند.

برزیل

در چند سال گذشته، برزیل یک رشته بحران های مالی را تجربه کرده است. این بحران ها محصول بیگیری «طرح واقعی»، برنامه ئی که بر سیاست ریاضت کشی، بیکار کردن کارمندان بخش دولتی، خصوصی سازی و کاهش بودجه به منظور بازپرداخت اقساط استقراض بی حد و حساب دولت و بانک های خصوصی که از سوی ایالات متحده و کشورهای غربی تشویق شده بود، متکی است. تعجب آور نیست که برنامه دولت موفق نبوده است. بازپرداخت سود و اقساط بدهی ها افزایش یافت، میلیون ها برزیلی به فقری عمیق دچار شدند و کل اقتصاد به هوی و هوس محتکرانه بانک ها و سفته بازان غربی وابسته گردید.

هنگامی که این «سرمایه گذاران» تصمیم به بیرون کشیدن سرمایه از کشور گرفتند (سرمایه ئی که با تحمیل از خود گذشتگی ها به مردم، ایجاد شده بود)، دولت به یک دور دیگر از مداخلات صندوق بین المللی پول به بهانه «نجات» اقتصاد گردن نهاد. منظور دستیابی به «ثبات» مورد علاقه سرمایه داران غربی بود. این به معنای «لیبرالیزاسیون» بیشتر اقتصاد برزیل بوده است، که عملاً سپردن دارائی ها و منابع عمومی به بخش خصوصی را به منظور دستیابی به ثبات مورد علاقه سرمایه داران غربی را به همراه داشته است. در حال حاضر، بیش از نیمی از جمعیت در زیر خط فقر زندگی می کند، و دولت کنترل بسیار محدودی بر تصمیمات اقتصادی دارد. پاسخ توده های زحمتکش برزیلی، منجر به بسیج عمومی در تمامی سطوح به منظور معکوس کردن سیاست های خصوصی سازی گردیده است، که میلیونها نفر را به فقر کشیده و دولت را به زائده ئی از سرمایه تجاری استعماری تبدیل کرده است.

چندین دولت محلی از انتقال عواید به دولت مرکزی خودداری کرده اند، یک جنبش دهقانان بی زمین برای بازپس گرفتن زمین های خصوصی شده بسیج شده است، و تظاهرات توده ای توسط کارگران به منظور فشار آوردن بر دولت مرکزی برای معکوس کردن حراج منابع و سرمایه های ملی مرتباً صورت می گیرد. مبارزه از هم اکنون آغاز شده است!

آرژانتین

از اوایل دهه ۹۰ میلادی، دولت آرژانتین یک برنامه عظیم خصوصی سازی را در پیش گرفت، که منجر به فروش بیشتر صنایع همگانی نظیر برق و آب شد. با وجود مخالفت اتحادیه های کارگری و دیگر نیروهای طبقه کارگر، دولت به دنبال کردن دستورکار خصوصی سازی خود در پیوند با سرمایه مالی غربی و نخبگان اقتصادی بومی ادامه داد. یکی از صنایع همگانی که به بخش خصوصی فروخته شد، شرکت برق بوئنوس آیرس بود. این شرکت به ادوسور، یک کمپانی چندملیتی که مرکز آن در شیلی است، فروخته شد. همان گونه که انتظار می رفت، خصوصی سازی به افزایش قیمت ها و محدود شدن ارائه خدمات به جوامع کم درآمد در بوئنوس آیرس منجر شد، ولی هیچ کس انتظار قطع کامل برق برای ۱۰ روز در تابستان سال گذشته را نداشت. این مسئله محصول سیاست های غلط در رابطه با نگهداری و توسعه زیربنائی سیم برق بود. در نتیجه بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر در اوج تابستان بدون آب و برق ماندند و هرج و مرج جدی اجتماعی و مالی به وجود آمد. توده های زحمتکش بوئنوس آیرس با شعار لغو خصوصی کردن ها، امری که دولت اکنون جداً در رابطه با آن مطالعه می کند، به خیابان ها آمدند. شرکت های تجاری به میزان ۷۰۰ میلیون دلار بر ضد ادوسور ادعای خسارت کرده اند، و ادوسور با یک جریمه ۸۰ میلیون دلاری مواجه است. این هم از کارآیی خصوصی سازی!

اروپا

در ۱۹۹۰ اتحادیه اروپا کمیسیون مخصوصی را به منظور رفع هرگونه کنترل دولتی بر صنایع برق در سطح اروپا پایه گذاری کرد. این کمیسیون پیشنهاد کرد که در ابتدا صنایع برق دولتی چندپارچه شده و به کمپانی های کوچک تری تقسیم شوند، که در مرحله بعد به کمپانی های خصوصی فروخته شوند. از زمان آغاز این روند، بیش از ۲۵۰/۰۰۰ نفر بیکار شده اند، و پیش بینی می شود که در صورتی که این برنامه با همین سرعت پیش برود، در طول پنج سال آینده ۲۵۰/۰۰۰ نفر دیگر نیز بیکار خواهند شد. کارگران در سراسر اروپا سعی کرده اند که بر ضد چنین تهاجمی مبارزه کنند، ولی تلاش آنان به دلیل عدم وجود همبستگی لازم در سطح اروپا، چندان به جایی نرسیده است، اما اوضاع در حال تغییر است. اتحادیه های خدمات عمومی اتحادیه اروپا روز مبارزه عمومی با این سیاست ها را روز ۲۱ اردیبهشت ماه، در سراسر اروپا اعلام کرده است، امید می رود که این مبارزه قاره ای جلواز بین رفتن اشتغال را بگیرد و تسریع کننده مخالفتی وسیع تر با دستورکار خصوصی سازی سرمایه بزرگ اروپایی و شرکای آنان در دولت ها بشود.

اکوادور، پورتوریکو، پاناما

ما در چند ماه قبل شاهد برپایی تظاهرات و اعتراض های توده ای در پاسخ به اعمال برنامه های ریاضت کشی از سوی دولت های سرکوبگر در تمامی این کشورها بوده ایم. ریشه تمام این برنامه های ریاضت کشانه در برنامه خصوصی سازی است که شامل سپردن منابع عمومی و خدمات پایه ای به بخش خصوصی و به نفع معدودی نخبگان بومی و اربابان آنان در کمپانی های چندملیتی و بانک

ادامه در صفحه ۶

کمک های مالی رسیده

۶۵۰ مارک

به مناسبت اول ماه مه از برلین

۲۰۰ مارک

آ. آ. از آلمان

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:558

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

25 May 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۳۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

نام

790020580

شماره حساب

10050000

کد بانک

Berliner Sparkasse

بانک